



انترناسیونال

۲۴۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۲۵ آوریل ۲۰۰۸

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

زنده باد سوسیالیسم

پیام حمید تقوایی بمناسبت اول مه



حمید تقوایی

روز جهانی کارگر را به کارگران و همه مردم آزاده ایران و جهان تبریک میگویم.
اول مه روز اعتراض کارگران جهان به دنیای فقرزده، جنگ زده، و تیره و تباهی است که سرمایه داری بر مردم جهان تحمیل کرده است.

صفحه ۵

سوسیالیسم یا بربریت

راه سومی نیست



محسن ابراهیمی

هفته پیش در آن، کاخ ژاک ادوارد آلکسیس به محاصره گرسنگان در آمد و دولتش با شورش گرسنگان سقوط کرد. ایران را به هم نشان دادند که بازارش پر از کالا است اما

هشدار بورژواها

روسای دو سازمان جهانی سرمایه داری، از جلسه مشترکشان در واشنگتن دی سی با چشمانی وحشت زده بیرون آمدند و به جهان سرمایه داری هشدار دادند. رابرت زلیک رئیس بانک جهانی، و دومینیک اشتراوس کان، رئیس صندوق بین المللی پول پیش بینی کردند: اگر بهای مواد غذایی به همین روال افزایش پیدا کند، بزودی صدها هزار تن از گرسنگی خواهند مرد؛ کودکان زیادی دچار سوءتغذیه خواهند شد؛

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد گرانی

صفحه ۵

جمهوری اسلامی، مسبب اصلی نا امنی اجتماعی



عبدالکریم آسادی

جمهوری اسلامی قصد دارد با به اجرا گذاشتن "طرح امنیت اجتماعی" به خشونت بی مراتب گسترده و سراسری تر از سال ۸۶، علیه مردم ایران دست بزند. طرح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی، طرحی دفاعی در مقابل تنفر عمیق مردم از خود نظام و قوانین اسلامی است و باید از جانب همین مردم بر علیه

صفحه ۶



بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در کشورهای فقیر دنیا در زیر خط فقر قرار خواهند گرفت و جهان در انتظار "عواقب وحشتناکی" است. آن عواقب وحشتناک چه هستند؟ "مسئله فقط انسانی و اقتصادی نیست، روند پیشرفت دموکراسی در خطر است. بی ثباتی سیاسی در راه است. حداقل ۳۳ کشور در جهان در معرض خطر ناآرامی های عظیم اجتماعی هستند." کشور هائیتی را به همديگر نشان دادند که همین دو

صفحه ۲

بن لادن هم به هیلاری کلینتون رای میدهد! زیارت اهل قبور در اول مه و روز معلم در حاشیه رویدادها کاظم نیکخواه صفحه ۴

کنفرانس آلترناتیو علیه کنفرانس اسلام

ص ۱۰

تظاهرات در مقابل سازمان جهانی کار

ص ۸

برنامه های تشکیلات خارج بمناسبت روز جهانی کارگر

ص ۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سو سیالیسم یا بربریت

نیست، اشک تمساح است. همدارشان به خاطر مرگ گرسنگان نیست، به خاطر "انقلاب گرسنگان" است. "عواقب وحشتناک" برای انسانها قلب این نمایندگان بربریت قرن بیست و یک را برد نیآورده است، "بی ثباتی سیاسی" وحشت زده شان کرده است. و الا چه کسی است که نداند سیاستهای لیبرالی عنان گسیخته سرمایه داری بازار آزاد، چندین دهه است که نان مردم را در اختیار "دست نامرئی بازار آزاد" سرمایه جهانی قرار داده است؛ از یک طرف سفره میلیونها مردم را خالی کرده است و از طرف دیگر حساب بانکی بورس بازان و دلانان سرمایه جهانی را پر کرده است. همین سالهای گذشته، طبق برآورد خود این نهادهای سرمایه داری، بیش از یک میلیارد انسان با یک دلار سر کرده اند و تعداد زیادی کودک از بی غذایی و بی درمانی چشمانشان را برای همیشه بسته اند.

مالتوس را نشان مردم میدهند!

علت این تراژدی انسانی چیست؟ کمبود منابع؟ کمبود مواد غذایی؟ افزایش جمعیت؟ کمبود عرضه در مقابل تقاضا؟ سخنگویان سرمایه، با وقاحتی پرباقیه، چشمان سرد و بیروحشان را بر چشمان غمبار آن میلیونها انسان گرسنه ای که قرار است به زودی چشم از جهان فرو بینند میدوزند و اعلام میکنند خطر مرگ از گرسنگی تهدیدتان میکند چون: در قزاقستان باران کم باریده است، در آسیا سونامی آمده است، در هندوستان و چین جمعیت افزایش پیدا کرده است و وقیحانه تر از همه اینکه در چین و هندوستان طبقه متوسط رشد کرده است و "عادات غذایی" تغییر کرده است! لازم نیست اقتصاددان بود تا به عمق وقاحت، به عمق شارالتالیسم در این عبارات تبلیغی جهان سرمایه داری پی برد. مالتوس را از گورش بیرون کشیده اند و نشان گرسنگان میدهند تا شاید بتوانند با تئوری "انفجار جمعیت"، انفجار اجتماعی و سیاسی را پشت سر بگذارند؛ تا بتوانند سدی در مقابل "انقلاب گرسنگان" بر پا کنند. جواب این خزعبلات را میتوان بسادگی در گزارش سازمان خوار و بار جهانی و "برنامه غذایی

گرسنگی" توسط دو نهادی اعلام شده است که به عنوان دو نهاد اصلی جهانی سرمایه داری، شغلشان تضمین سود آوری سرمایه بود است. شغلشان این بوده است که به روند چند دهه بعد از پایان جنگ جهانی دوم، یعنی "دولتهای رفاه"، که خود راه حل جناح چپ سرمایه داری برای جلوگیری از بحرانهای سیاسی و حکومتی بود، نقطه پایان بگذارند و دست نامرئی بازار را باز بگذارند تا



همه چیز را هماهنگ کند و در واقع تعیین کند اقلیتی شایسته پاره کردن پول هستند و اکثریت عظیمی لایق نیستند حتی نان شبشان را تهیه کنند. قریب سه دهه است که این دو نهاد به عنوان کارگزاران اقتصاد نئولیبرالی، حرف اول و آخر جهان سرمایه داری را زده اند. صندوق بی المللی پول و بانک جهانی را سرمایه داری جهانی چندین دهه است راه انداخته است تا کشورهای سرمایه داری را بنا بر مقصیبات سود آوری سرمایه با اقتصاد سرمایه داری جهانی ادغام کند و البته این شغل شریف را با "موفقیت" بینظیری به پیش برده اند. شکم هردولت سرمایه داری را که سیاستهای خامان برافکن این نهادها را خوب پیش برده اند با وامهای "قرض لحسنه" پر کرده اند. و این سیاستها چه ها بوده اند؟ برچیدن هرگونه مانع محیط زیستی برای سود آور سرمایه، ممنوع کردن هرگونه حق اعتصاب و تشکل برای کارگران، برچیدن هر گونه مسئولیت دولت در قبال جامعه (که البته این خود در انتهای بحران سرمایه داری در مقطع جنگ جهانی دوم، و از ترس گسترش مبارزات میلیونها انسان، یعنی همان خطر "انقلاب گرسنگان" مستقر شده بود)، تعرض به بیمه ها و خدمات اجتماعی و در چند جمله، تحمیل کار ارزان و کارگر خاموش، امن کردن محیط برای سود آوری سرمایه، ملاحظه میکنید که این دلسوختگان شارلاتان

"گرسنگان"، مسئول مستقیم به گرسنگی کشاندن میلیونها انسان بوده اند. و البته قرار بود در نتیجه این سیاستهای نئولیبرالی، خون کارگران مکیده شود و در شریان اقتصاد سرمایه داری تزریق شود و مشتی میلیارد در کنار خیل فقرا تولید شود و آب از آب هم تکان نخورد. تاجریسم و ریگانیسم، دهه هشتاد را با چنین طلیعه خونینی آغاز کردند. فروپاشی دیوار برلین، دهه هشتاد را با اعلام رسمی پیروزی سرمایه داری عنان گسیخته بازار آزاد غرب بر سرمایه داری دولتی شرق ادامه داد. جشن و پایکوبی جهان میلیارد بر روی شانه های خمیده کارگران راه افتاد و همه اینها قرار بود مشت محکمی بر دهان سوسیالیسم و کمونیسم و مارکس و لنین باشد که جامعه را در قبال شهروندانشان مسئول اعلام کرده بودند. قرار بود به کمک این دو نهاد خونخوار، روی خرابه های دیوار برلین، عمارت ساکت و آرام و بی دغدغه سرمایه داری بازار آزاد برپا شود. قرار بود ایده های بنیانگذار مکتب شیکاگو، میلتون فرید من، این ایدئولوگ آدمکش اقتصاد بازار آزاد، عرق شرم بر پیشانی مارکس، انقلابی پیشگام طبقه کارگر و سوسیالیسم بنشانند و ثابت کند سرمایه داری علی العموم و سرمایه داری بازار آزاد خصوصا سرنوشت گریز ناپذیر در مقابل مردم جهان است. و اینچنین است که در طی چندین دهه کامل، جهان سرمایه داری بزور پلیس و ارتش و زندان و اعدام، سیاستهای اعلام شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را پیش بردند و جهان را در زیر سلطه بربریت سرمایه داری نگه داشتند و میلیونها مردم جهان را به گرسنگی کشاندند و امروز هم جهان را در آستانه خطر مرگ از گرسنگی و البته "خطر انقلاب گرسنگان" قرار دادند.

جناح چپ سرمایه داری در فکر راه چاره است

هفته نامه تایمز، با مقاله ای خواندنی به سراغ این هشدارها رفته است. هم تیترو هم استنتاج پایانی مقاله تایمز به اندازه کافی گویاست: "چگونه گرسنگی میتواند رژیمها را سرنگون کند؟" این تیترو فرمول روشنتر همان "پیشرفت دموکراسی در خطر است" است. "باید به دنیای قبل از ظهور گلوبالیزاسیون باز

گشت." و این هم فراخوان به سرمایه بحران زده برای بازگشت به دوران اقتصاد کینزی و دولت رفاه است. یک بار در پایان جنگ جهانی دوم، سرمایه داری با افزایش نقش دولت در سازماندهی اقتصاد و در واقع کاهش نقش بازار توانست بحران را پشت سر بگذارد و از ارتقا بحران اقتصادی به انفجارهای اجتماعی و سیاسی جلوگیری کند. این راه حل جناح چپ سرمایه داری برای رفع بحران بود. تایمز بازگشت به این دوران را پیشنهاد میکند.

نشریه تایمز، خطر را چنین فرمول میکند.

"وقتی تنها مانع میان مردم گرسنه و مغازه های مواد غذایی و یا انبارهای برنج و حبوبات چند قفل و چند پلیس ضد شورش است آن سد پنهانی که همواره از مالکیت خصوصی حمایت می کند یعنی "قوانین" دیگر نمی تواند بطور موثر عمل کرده و در میان فریاد مردانی {همچنین زنانی} که برای رساندن غذا به جگرگوشه هایشان سر به طغیان برمی دارند رنگ می بازد."

چه قدر زیبا؟ چه قدر انسانی؟ چه قدر احساساتی؟ چه ترحم تحسین بر انگیزی برای جگرگوشه های طبقه کارگر؟ اما وقتی خوانند مقاله را ادامه میدهم معلوم میشود که پشت این شفقت برای گرسنگان، احساس خطر برای قوانین و دولتها و مالکیت خصوصی بورژوازی خوابیده است؛ احساس خطر برای اینکه قوانین زیر پا گذاشته شوند، دولتهای بورژوازی واژگون شوند و مالکیت خصوصی به خطر بیافتد:

"فراغوش نکنیم که گرسنگی بطور تاریخی محرک بزرگی برای شکل گیری انقلابات و جنگهای داخلی بوده اما هرگز تنها شرط کافی بروز ناآرامیها و تحولات اجتماعی نبوده است. آنچه که در هائیتی و مصر در جریان است ترجمان این تئوری است که نارضایتی های عمیق سیاسی و اجتماعی زمانیکه با گرسنگی درهم آمیخته شود در صورت حضور یک رهبری موثر نتیجه ای جز واژگونی حکومت های مزبور در بر ندارد."

انقلابات و جنگهای داخلی و ناآرامیها و تحولات اجتماعی و واژگونی حکومتها آن محرکی است که تایمز را به فکر نقد "اقتصاد لجام گسیخته فریدمنی" و ارائه راه حل

از صفحه ۲ سوسیالیسم یا بربریت

انداخته است که بزعم تایمز جهان را در آستانه "زمین لرزه های سیاسی" قرار داده است.

"جهان سرمایه داری برای اجتناب از يك انفجار جهانی که در صورت وقوع، خود نیز بهای سنگینی را خواهد پرداخت باید به دنیای قبل از ظهور گلوبالیزیشن باز گردد و با کنار گذاشتن سیاست های غیر انسانی نئولیبرال به یاری مردم گرسنه بشتابد. این حکومتها باید توجه داشته باشند که مردان گرسنه شاید بتوانند در چارچوب قوانین حاکم برای "حمایت از مالکیت خصوصی" رفتار خود را تا حد مرگ تنظیم کنند اما نمی توانند شاهد مرگ کودکان گرسنه خود باشند و باز هم به قوانین مزبور گردن نهند بخصوص که اگر تعدادشان سر به میلیونها بزند."

و این دیگر بسیار جالب است که مدتهاست که بورژواها برای ترساندن همدیگر از عمق خطر و اقتناع همدیگر به اینکه باید کاری کرد به مارکس رجوع میکنند. تایمز هم توجه هم طبقه ای هایش را به "تئوریهای اجتماعی" مارکس جلب میکند:

"تئوری های اجتماعی کارل مارکس سالها بود که دیگر حتی از سوی انقلابیون هم نادیده گرفته می شد. آنچه که مارکس می گفت حاوی این هشدار بود که کپیالیسم تمایل غریبی دارد که بحران را خود در درون خود بپروراند. آنچه که ما امروز شاهد آنیم بنحوی حیرت انگیز انعکاس پیش بینی است که مارکس بیش از دویست سال پیش بعمل آورده بود."

سرمایه داری به فکر چاره افتاده است پیش از اینکه آنکه "انفجار جهانی" رخ دهد و خود نظام مجبور شود "بهای سنگینی" بپردازد. پیش از آنکه مردم گرسنه برای باز کردن انبارهای برنج بر روی جگرگوشه گانشان پا روی آن سد پنهانی که همواره از مالکیت خصوصی حمایت می کند یعنی "قوانین" بگذارند و خدای نکرده "شورش گرسنگان" یک رهبری موثر پیدا کند و به "انقلاب" تبدیل شود و "واژگونی حکومت ها" رخ دهد. بازگشت به دنیای پیش از "گلوبالیزیشن" و "کنار گذاشتن سیاستها نئولیبرال"، یا بازگشت به عصر سرمایه داری با يك تناقض لاینحل

صفحات تایمز بوضوح منعکس شده است راه جناحی از سرمایه جهانی است.

اما راهی که سرمایه در پیش میگذارد راهی برای نجات سرمایه است حتی اگر با بیشرمی تمام راهی برای نجات گرسنگان معرفی اش



شورش در هائیتی

کنند. راهی برای تداوم آن نظامی است که محورش می کند ارزش اضافه از نیروی کار میلیاردها کارگر در جهان است. راهی برای تداوم بربریت سرمایه داری است. راهی برای حفظ نظامی است که برای ادامه حیاتش باید سود تولید کند و برای تولید سود اگر لازم شد انبارهای برنج و گندم را قتل کند و پلیس و ارتش بر درشان بگمارد تا اجازه ندهند گرسنگان بر روی مالکیت خصوصی مقدس پا بگذارند. و البته اگر کار از کار گذشت و گرسنگان مصمم شدند درهای مالکیت خصوصی بر انبارهای گندم و برنج را بشکنند، پیش از اینکه این خطر به انفجار اجتماعی و انقلاب اجتماعی تبدیل شود، نظامشان در شکلی دیگر، در شکل سرمایه داری دولتی پیش ببرند. یعنی رکن استثمار کارگر را حفظ کنند تا خطر انقلاب اجتماعی رفع شود و البته دوباره افسار بازار آزاد را برای به یغما بردن جان و زندگی کارگران رها کنند.

باید این نظام وارونه را وارونه کرد!

بورژواها به تقلا افتاده اند و دنبال راهی هستند تا خطر را رفع کنند. خطر برای آنها همچنانکه خودشان اعتراف کرده اند، "انقلاب گرسنگان" و "واژگونی حکومتها" ست. مشکل برای آنها به خطر افتادن ثبات سیاسی است و متعاقبا به خطر افتادن امنیت سرمایه است. اما سرمایه داری با يك تناقض لاینحل

در قبال حل این بحران مواجه است. سرمایه داری روی دوش طبقه کارگر شکوفا میشود و وقتی بحران سراغش می آید، با تحمیل فلاکت بیشتر بر طبقه کارگر میخواد بحرانش را حل کند و این هم زمینه بحرانهای سیاسی میشود که امروز مجبورشان کرده است به هم در باره اش هشر دهند.

نظام است. زیر و رو کردن این نظام است. دست بردن بر بنیاد این نظام است که گرسنگی و فقط و فلاکت جزوی جانشینی از آن است. زیر و رو کردن سیستم اقتصادی ای است که مبنایش مالکیت خصوصی اقلیتی بر وسایل تولید و محرومیت اکثریت عظیم جامعه از آن است. مبنایش تمرکز ثروت در دست اقلیت استثمارگر و محکوم کردن اکثریت به فقط و فلاکت و گرسنگی است. زیر و رو کردن نظامی است که در آن سود حرمت دارد و انسان بی حرمت است. برهم زدن نظامی است که در يك طرفش انبارها پر از گندم و برنج و مواد غذایی است و در يك طرفش مردمی که به آنها دسترسی ندارند و در میانشان قفل و پلیس و ارتش گمارده اند. وارونه کردن جهانی است که روی سر ایستاده است. نابودی نظام سرمایه داری است.

ایران، محل تعیین تکلیف

يك چیز روشن است. پاسخ و راه حل بورژوازی، جناح چپ یا راست، برای رفع خطر هر چه باشد، در چهارچوب حفظ نظام، حفظ نظامی است که در آن نیروی کار انسان کالا است. که در آن تولید برای رفع نیازهای انسانی نیست، برای افزودن بر ارزش سرمایه است. همان نظامی که تا کنون اکثریت عظیمی از انسانها را به گرسنگی کشانده و نابود کرده است و امروز هم جهان را در آستانه گرسنگی میلیونها انسان قرار داده است. نظامی که در آن بخش اعظم جمعیت ۷ میلیاردي جهان کارگرند. کارگرانی که مجبورند نیروی مغز و بازویشان را به عنوان کالا بفروشند، کارگرانی که کالا محسوب میشوند و مثل هر کالایی دستخوش نوسانهای بازار و داد و ستد و رقابت و بحران هستند. برای طبقه کارگر، مسئله، چه از نقطه نظر مسبب این وضعیت و چه از نقطه نظر راه رها شدن از این وضعیت تماما از نقطه مقابل مطرح است. مسببت این "عواقب وحشتناک"، نه خشکسالی در قزاقستان، و نه "عوادات غذایی در چین و هندوستان"، نه افزایش جمعیت سریعتر از افزایش تولید مواد غذایی است. مسبب در نظامی نهفته است که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول کارگزارانش هستند. سیستمی که غذا و آب و داروی چند میلیارد انسان را به سودآوری سرمایه گره زده است.

راه هایی کارگر فرارفتن از این

حکومتها و انقلابات منطقی نهفته است. شاید این سفاحت پیش از زمین لرزه های سیاسی اند.

در هر صورت دور نرویم و برگردیم به اظهارات بانک جهانی در باره ایران. اینکه در ایران مواد غذایی در قفسه ها هست ولی مردم نمیتوانند بخورند. این البته برای ایران اظهار نظر بسیار رقیقی است. تصویر نهادهای خود جمهوری اسلامی مثل سازمان رفاه (بخوانید ضد رفاه) که حتما بخش مهمی از حقیقت در آن نیست بسیار گویاست. در این مملکت فاصله میان درصد کوچک ثروتمندان و سرمایه داران با اکثریت عظیم جامعه به اندازه يك اقیانوس است. ۱۰ میلیون در لیست آمار فقر هستند و ۱۰ میلیون انسان رسماً زیر خط فقر قرار دارند. خط فقر اعلام شده ۶۰۰ هزار تومان است و دستمزد رسمی کارگر ۲۱۹ هزار تومان. یعنی کل طبقه کارگر این کشور رسماً و عملاً به زندگی در سطح سه بار پایین تر از خط فقر محکوم شده اند. و این تازه در صورتی است که کارگران حقوق کامل خود را دریافت کنند در حالیکه سرمایه داران به بهانه های زیادی حقوق تعداد تعداد وسیعی از کارگران سر وقت نمیپردازند. ما به ازای اجتماعی این زیان بیروح و سرد آمار يك فلاکت تمام عیار است: پدران و مادرانی که با احساس گناه در مقابل کودکانشان سر به بالین میگذارند؛ کودکانی که به جای قلم و دفتر پتک و چکش در دست دارند و به جای مدرسه رفتن در معادن جان میکنند؛ دخترانی که عشق و آرزوهای جوانیشان در چنگال باندهای فحشا پژمرده میشود؛ مردان و زنانی که کلیه هایشان را با پول برای نان شب مبادله میکنند؛ و ...

تصویر نشریه تایمز با دو دستکاری عیناً در ایران حاکم است. "ناراضیهای عمیق سیاسی و اجتماعی زمانیکه با گرسنگی درهم آمیخته شود در صورت حضور يك رهبری موثر نتیجه ای جز واژگونی حکومت های مزبور در بر ندارد." باید به این تصویر يك ناراضیهای عمیق و گسترده فرهنگی، فراتر از آن يك نفرت عمیق فرهنگی را اضافه کرد. باید این را اضافه کرد که در ایران ناراضیهای عمیق مدتهاست به تحرك اعتراضی فعال علیه حکومت

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



بن لادن هم به هیلازی کلینتون رای میدهد!

سرنوشت کاندید اول حزب دموکرات آمریکا برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری این کشور در ماه نوامبر امسال هنوز قطعی نشده است. این حزب میان اوباما و هیلازی کلینتون هنوز نتوانسته است تصمیم قطعی ای بگیرد و هیچکدام از این دو هنوز شانسشان قطعی نیست. گرچه اوباما هنوز دو سه هزار رای جلوتر است اما در انتخابات پنسیلوانیا که این هفته برگزار شد خانم کلینتون از رقیبش پیشی گرفت و دور اول نامزدی در این ایالت را با تفاوت قابل توجهی برد. این برد برای هیلازی کلینتون بسیار حیاتی بود چون در غیر اینصورت میبایست شکست را می پذیرفت و مسابقه را به اوباما واگذار میکرد. اما او اکنون میتواند در رقابت باقی بماند و به واقع هم شانس کمی برای جلو افتادن ندارد. بسیاری از چهره های سنتی تر و قدیمی تر حزب دموکرات کلینتون را نامزد مناسب تر و سنتی تر و قابل اتکاتری برای حزب دموکرات میدانند و نگرانند که "نوآوریهای" اوباما بویژه در سیاست خارجی کار دست هیئت حاکمه آمریکا بدهد و بدعت گذاری های غیر قابل جبرانی را به این کشور و به این حزب تحمیل

کند. اما با این وجود بارک اوباما حمایت شخصیت‌های با نفوذی مثل جیمی کارتر رئیس جمهوری سابق آمریکا و سناتور ادوارد کندی را با خود دارد و همچنان از رقیبش جلوتر است و آراء بخشهای جوان تر و لیبرال تر این حزب را با خود دارد. علاوه خیلها او را برای مقابله با جمهوری خواهان و نامزد آنها "مک کین" توانتر میدانند. شکاف نژادی نیز گفته میشود که در پیشروی اوباما موفق بوده است. اوباما یک دورگه است و از مادری آمریکائی و سفید پوست و پدری کنیائی است، اما در رسانه های عمومی آمریکا سیاه پوستی با مادر سفید پوست تصویر میشود و نه سفید پوستی با پدری سیاه! در ایالاتی که جمعیت سیاه پوست یا "آفریقائی" آمریکائی "آنها بیشتر است، اوباما بدون درسرچندانی برنده بوده است.

اما یک نکته جالب در مبارزات انتخاباتی در روزهای اخیر این بود که خانم کلینتون در تبلیغات تلویزیونی خود تصاویر و پیامی از بن لادن را پخش نمود که در آن بن لادن گفته بود "فقط سناتور کلینتون است که میتواند با قدرت با چالشهای پیش روی آمریکا مقابله کند" و جالبتر اینست که همه کس میدانند که بزرگترین چالش روبروی آمریکا در دوره کنونی رسماً خود بن لادن و القاعده و تروریسم اسلامی تلقی میشود! آیا بن لادن به این دلیل این پیام را منتشر کرده است که خانم

کلینتون را تقویت کند یا او را از دور خارج نماید؟ هدف او هرچه باشد شهرت بن لادن باعث شد که پیام او توجه ها را به هیلازی کلینتون بیشتر جلب کند و آرای او را افزایش دهد! یعنی در دنیای امروز یا بهرحال در دنیای مردمی که شستشوی مغزی شده اند وقتی که کسی شهرت داشته باشد حرفش مورد توجه قرار میگیرد و مهم نیست که به چه چیز شهرت دارد! خانم کلینتون هم ظاهراً با این "روانشناسی اجتماعی" رای دهندگان یا بهتر است بگوییم با این بیماری اجتماعی جوامعی مثل آمریکا بخوبی آشنائی دارد.

زیارت اهل قبور در اول ماه مه و روز معلم

کسی که تلاش میکند همزمان با روز اول مه روز جهانی کارگر کارگران و معلمان را سر قبر خمینی و مطهری بفرستد هم پرت است هم مرتجع. این کاری است که از یک طرف خانه کارگر جمهوری اسلامی و از طرف دیگر مسئولین کانون صنفی معلمان دست به کار آن شده اند. در مورد تفاوت این دو بعد چند کلمه خواهیم گفت. اما تا آنجا که به این موضوع مربوط میشود هر دو میدانند که دارند چه میکنند. اینها میدانند که در میان کارگران و معلمان فضای اعتراضی بالاست. می بینند که جنب و جوش اول مه فعال است. وظیفه ای که برایشان گذاشته اند اینست که این جنب و جوش ها را در قالب زیارت اهل قبور به کجراه بکشاند و کنترل کنند. وظیفه سختی است. به همین دلیل هم خودشان میدانند و دیده اند که مضحکه میشوند. اما چه میشود کرد وظیفه شان همین است. کار سختی را برایشان تعریف کرده اند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی که تکلیفشان خیلی روشن است. ارگانهای جاسوسی و پادوی جمهوری اسلامی هستند و کارشان همین است. برای همین کارها دارند نان میخورند. چند سال پیپایی سعی کردند اول مه را برای حکومت هرس کنند. و هربار کارگران جوابشان را دادند و جز رسوایی چیزی عایدشان نشد. سعی کردند راهپیمایی دولتی بگذارند اما کارگران میکروفون را از دستشان گرفتند و علیه حکومت و نظام سرمایه داری شعار دادند. سال

بعد فکر کردند اگر بجای راهپیمایی در سالن در بسته و سر بسته و محافظت شده روز کارگر را "گرامی" بدارند اوضاع بهتر میشود. اما منزوی ماندند. دوسال پیش مضحکه انتخاباتی شان را سعی کردند وارد این روز کنند و باعث شد که رفسنجانی را از این هم که بود بی آبرو تر کنند که با هزار زحمت فرارشان دادند. سال گذشته به این فکر بکر رسیدند که بجای اول مه یک هفته را بعنوان هفته کارگر تعیین میکنند. و کارگران را سر قبر خمینی ببرند. اما کسی جز یک مشت اجیر شده همراهشان نشد. بعد هم که برمگشتند گروههایی از کارگران وارد صف شدند و اوضاع را بدست گرفتند و علیه خودشان و علیه محجوبشان شعار دادند. امسال فکر تازه ای به مغز معیوبشان نرسیده است و میخواهند سر قبر امامشان بروند. میدانند که سر قبر خمینی فقط خودشان و خودشان و باید بر مزار امامشان زیارت اهل قبور بخوانند و بر انزوی خود بگریند.

اما مسئولین کانون صنفی معلمان. این کانون قرار بوده است یک تشکل صنفی معلمان باشد. از حقوق معلمان دفاع کند. فضای اعتراضی در میان معلمان بسیار بالاست. معلمان به حقوقشان نرسیده اند سرکوب شده اند. دست از اعتراض برنداشته اند. در طیف گردانندگان این کانون جماعتی از جنس همان خانه کارگرها و شوراهای اسلامی مانده اند با معلمان چه کنند. معلمان بخشی از طبقه کارگرند. روز کارگر را به خود مستقیماً مربوط میدانند. میخواهند هم صدا با بخشهای دیگر کارگران جمع شوند و اعتراض کنند. جناح راست کانون صنفی آمده است یک مشت دردها و اعتراضات معلمان را ردیف کرده و بعد گفته است یک هفته را هفته معلم اعلام میکنند و معلمان تهرانی را روز ۱۲ اردیبهشت سر مزار دکتر خاندلی میفرستد و معلمان قمی را سر مزار "استاد مطهری" جمع میکنند. جمع شدن سر قبر دکتر خاندلی که یک معلم معترض بود و به دست جلادان حکومت شاه به قتل رسید بالاخره چیزی است. بزرگداشت او در واقع تاکید برخواستهای معلمان است. اما وقتی که درکنار آن رفتن سر قبر مطهری که یک آخوند مرتجع و از پایه گذاران حکومت اسلامی بوده است نیز مطرح میشود معلوم است

که مسئولین کانون صنفی هدفشان تبدیل روز معلم و روز کارگر به چیز دیگری است. هدفشان هم جهت کردن تجمع معلمان با حکومت و خانه کارگر و شوراهای اسلامی است. خجالت کشیده اند بگویند ما هم در کنار برادران خانه کارگریمان سر قبر خمینی جمع میشویم. یک راه مشابهی پیدا کرده اند. حتی در همان کانون صنفی جلویشان می ایستند. همانطور که جناب بهشتی را که کاندید جناحی از حکومت در مضحکه انتخاباتی شده بود به "اشتباه کردم" وادار کردند. اما با ادامه این نوع سیاستها معلمان باید این کانون را از دست کسانی که میخواهند آنرا به یک شورای اسلامی دیگر تبدیل کنند، خارج نمایند.

هرکارگر و معلمی میدانند که روز کارگر و روز معلم روز اعتراض است. روزی رادیکال است. روزی علیه حکومت اسلامی است. روز همراهی با هیچ بخشی از حکومت نیست. کسی که به این تقلاهای مسخره و ارتجاعی می افتد نه فقط دارد صف خود را از کارگران و معلمان جدا میکند بلکه مستقیماً علیه کارگران و معلمان است و در کنار سیاست سرکوب و بگیر و ببند و اخراج، میخواهد کارگران و معلمان را در روزهایی که با جنگ با حکومت تثبیت شده است، به سیاهی لشکر حکومت تبدیل کند. به اینها باید گفت خودتان را بیشتر مضحکه نکنید! این کار شدنی نیست. میدانید که کارگران و معلمان کارد به استخوانشان رسیده است. هرچه هم حکومت توحش اسلامی تان سرکوب و اخراج کرده موفق به خفه کردن صدای اعتراض آنها نشده است. وجود همین روز اول مه که قرار بود به دستور خمینی در ایران مطلقاً جایی نداشته باشد، نشان دهنده شکست حکومت شماسست. روز معلم را هم میخواهند به روز راهپیمایی های حکومتی تبدیل کنند و نتوانستند. امسال هم روز کارگر یعنی اول مه وسیعاً با اعلام کیفرخواست کارگران و معلمان و کل بخشهای کارگری با کیفرخواست علیه سرمایه داری و علیه حکومت توحش اسلامی برگزار خواهد شد و این بازیها فقط کارگران و معلمان را به قدرت خود آگاه تر میکند. *

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال
به عهده آرش ناصری است.

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره گرانی

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی به مناسبت...

این دنیای واژگونه باید زیر رو شود. اعلام میکنیم در برابر این بربریت راهی بجز سوسیالیسم وجود ندارد و مردم دنیا را به صفوف خود در مبارزه علیه سرمایه داری فرا میخوانیم.

زنان، جوانان، مردم آزاده!

در روز جهانی کارگر همبسته و متحد با کارگران به خیابانها بیایید و فریاد اعتراض خود را بلند کنید. حکومت اسلامی علیرغم تمام سرکوبگریهای ددمنشانه اش نتوانسته است جامعه را به تسلیم و تمکین بکشاند. امروز حکومت اسلامی سرمایه با وسیع ترین و پیگیرترین اعتصابات و مبارزات کارگری در تاریخ دهه های اخیر جامعه ایران روبروست. دانشجویان با پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم در برابر بربریت حاکم ایستاده اند و زنان در مقیاس میلیونی مبارزه خستگی ناپذیری را علیه این حکومت ضد زن به پیش میبرند. روز اول مه روز اعلام همبستگی مجدد و برآمد همه این جنبشها بر علیه کل نظم ضد انسانی موجود و رژیم اسلامی حافظ آن است.

این نظام باید زیر رو شود و فقر و گرانی و گرسنگی و بیکاری و بیحقوقی و استثمار جای خود را به یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و مرفه، به یک نظام سوسیالیستی بدهد. سوسیالیسم تنها راه رهایی مردم در ایران و در سراسر جهان از توحشی است که نظم نوین سرمایه بر دنیای ما تحمیل کرده است.

این پیام و فراخوان روز جهانی کارگر به مردم دنیا است.

ای کشانده است. رئیس بانک جهانی به دولتها در مورد شورش گرسنگان در بیش از سی کشور جهان هشدار میدهد. ما سوسیالیستها به مردم جهان در مورد خطر تمکین به این وضعیت هشدار میدهم. هشدار در مورد دنیائی که بدون امید سوسیالیسم، بدون فراخوان سوسیالیسم، و بدون "خطر" سوسیالیسم به منجلا ب تبدیل خواهد شد. شورش علیه وضعیت فلاکت باری که سرمایه به جهانیان تحمیل کرده است نه خطر بلکه راه رهایی مردم دنیا است.

امروز امید و فراخوان سوسیالیسم بیش از هر کشور دیگری در جامعه ایران نمایندگی میشود. از انقلاب ۵۷ تا امروز ما کارگران و اکثریت مردم ایران در گیر مبارزه با رژیم هستیم که مظهر تمام و کمال توحش سرمایه داری دوران ما است. رژیم قرون وسطائی که پاسدار نظام ضدانسانی سرمایه، حافظ ثروت افسانه ای اقلیتی قلیل و عامل تحمیل فقر و بیحقوقی مفرط به اکثریت عظیم مردم است. رژیم که توحش و جنایت و قساوت را به اوج رسانده است. در برابر این وضعیت جنبش بیوقفه و مبارزه جانانه ای با پرچم آزادی و برابری سوسیالیستی در جریان است. جنبشی که با سرود انترناسیونال، با "منزلت و معیشت حق مسلم ما است"، با "آزادی، برابری و هویت انسانی" و با شعار "سوسیالیسم یا بربریت" مدتهاست حضور قدرتمند خود را در صحنه سیاست جامعه ایران اعلام داشته است.

کارگران مبارز!

اول مه روز قدرتمانی جنبش ما است. روز جهانی کارگر فرصت دیگری برای اعلام کیفی خواست سوسیالیسم و انسانیت علیه توحش سرمایه داری است. اول مه روزی است که ما کارگران در پیشاپیش مردم متملن جهان اعلام میداریم که

بطوریکه حداکثر ده درصد درآمد خانواده ها صرف هزینه مسکن شود ۳- افزایش حداقل دستمزد کارگران و معلمان و پرستاران و سایر مزدبگیران و حقوق بازنشستگان

بمیزان حقوق نمایندگان مجلس ۴- پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران آماده به کار تا پیدا شدن شغل برای آنان بمیزان حداقل دستمزد ۵- رایگان شدن وسائل حمل و نقل خدمات شهری و طب و آموزش در کلیه سطوح اینها مطالبات فوری مردم برای جلوگیری از فاجعه ای است که طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی شان مقابل جامعه قرار داده اند. باید در کارخانه و محله، در مدرسه و اداره، در دانشگاه و همه جا حول این مطالبات متحد شد و آنرا به جمهوری اسلامی تحمیل کرد.

اما رهایی واقعی از گرانی و بیکاری و فقر و محرومیت و تبعیض و نابرابری، فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی امکانپذیر است. یک تفاوت مهم ایران با سایر نقاط جهان این است که یک جنبش عظیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و رفاه بمیدان آمده است. این نیروی عظیم باید متحد و متشکل شود. حزب کمونیست کارگری طبقه کارگر و همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی و ایجاد یک جامعه مرفه و انسانی، به گرد پرچم این حزب متشکل شوند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ - ۲۴ آوریل ۲۰۰۸

ریز و درشت حکومت رفته است و یا صرف وزارت اطلاعات و سپاه و دادگاه و زندان و سایر نیروهای سرکوبگر، علیه کارگران و مردم شده است.

میگویند گرانی در ایران ناشی از بحران جهانی گرانی مواد غذایی است و آمارهای بانک جهانی را به رخ مردم میکشند. اما اولاً نفس بحران جهانی سرمایه داری، حقانیت ما کمونیست های کارگری را بار دیگر اثبات میکند که همیشه گفته ایم این نظام همه جا منشاء بدبختی مردم است و باید جای خود را به نظام سوسیالیستی بدهد. هرچه بیشتر به بحران جهانی سرمایه داری بچسبند، پوسیدگی نظام سرمایه داری را بیشتر عیان میکنند. دیگر چگونه میتوانند از سیستم سرمایه داری دفاع کنند و علیه سوسیالیسم و حزب کمونیست کارگری رجزخوانی کنند! ثانیاً، تورم لجام گسیخته و بحران این سی سال را چگونه میخواهند با بحران اخیر جهانی توضیح دهند!

این وضعیت را باید دگرگون کرد. نباید اجازه دهیم بیش از این ما را، کودکانمان و سالخوردهگانمان را قربانی کنند. نباید اجازه دهیم بیش از این زندگی ما را به نابودی بکشانند. برای تخفیف مصائب ناشی از گرانی و بیکاری که زندگی اکثریت مردم را تا سرحد انهدام سوق داده است، جمهوری اسلامی را باید وادار کرد که درآمدهای کلانش را بجای پرداخت به نیروهای سرکوبگر و موسسات مذهبی و بجای چپاول و دزدی، صرف تحقق مطالبات زیر کند و این اقدامات را فوراً عملی کند:

۱- پرداخت سوسید به مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم

۲- پرداخت کمک هزینه مسکن

موج تازه ای از گرانی مواد غذایی و سایر مایحتاج عمومی، اکثریت مردم ایران را با فلاکتی بیسابقه تر از وضعیت تاکنونی، مواجه کرده است. در طول سی سال گذشته، اقتصاد بحران زده سرمایه داری در ایران با تورم سرسام آوری توأم بوده است، اما ابعاد گرانی که در طول چند هفته اخیر شروع شده است قابل مقایسه با هیچ دوره دیگری نیست. طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامی اش، اکثریت عظیم مردم ایران را در آستانه یک فاجعه بزرگ انسانی قرار داده اند.

تنها کالائی که در طول این سی سال ارزان نگهداشته شده نیروی کار است که به قیمت سرکوب هرروزه موفق به اینکار شده اند. خمینی میگفت اقتصاد زیربنای خراب است و با شانناژ زمینه سرکوب مبارزه کارگران برای مطالبات اقتصادی شان را فراهم کرد، سپس به بهانه جنگ هشت ساله ایران و عراق هر حرکت کارگران و مردم آزادیخواه را به خاک و خون کشیدند، دوره رفسنجانی به بهانه بازسازی پس از جنگ مردم را سرکوب کردند، سپس با ترفند اصلاحات سیاسی خاتمی و سرانجام در دوره احمدی نژاد با پرچم مستضعف پناهی، سرکوب کارگران و مردم را تشدید کردند تا نیروی کار را هرچه بیشتر ارزان نگهدارند. و با این سیاست های جنایتکارانه مردم را تا سرحد گرسنگی و دستمزد یک سوم خط فقر سوق دادند تا سودهای افسانه ای اقلیت مفتخور سرمایه دار و آفازاده ها و آیت اله ها و مقامات را بیشتر و بیشتر کنند.

تنها در یک سال گذشته درآمد جمهوری اسلامی از نفت یک و نیم برابر شد اما سهم کارگران و حقوق بگیران زحمتکش، فقر بیشتر، قدرت خرید کمتر و بیکاری فزاینده تر بوده است. درآمدهای هنگفت نفت یا به جیب مشتی سرمایه دار و مقامات

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلا بی بدل میشود!

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آوریل ۲۰۰۸، ۴ اردیبهشت ۱۳۷۶

از صفحه ۱ جمهوری اسلامی، مسبب ...

خود حکومت اسلامی تبدیل شود. عامل ناامنی اجتماعی، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است نه مردم. مردم ایران هیچگاه این حکومت را بعنوان حامی و نماینده خود نپذیرفته اند و اکنون هم نخواهند پذیرفت. دلیل آن نیز روشن است: حکومت اسلامی میخواهد فرهنگ و سنن و قوانین اسلام و آخوند و شریعه و اسلام ناب محمدی را بر جامعه ایران حاکم کند مردم هم به هیچکدام از این قوانین و سنن و فرهنگ اسلامی تن نمی دهند؛ با هر نوع حکومت مذهبی مخالفند، خواهان پیشرفت و ترقی اند، خواهان یک حکومت سکولار و غیر مذهبی اند، معیارشان برای زندگی امنیت و آسایش و تأمین یک زندگی انسانی است.

توسط باندهایی که سر به حکومت اسلامی دارند، تحمیل بیکاری گسترده در جامعه و پناه بردن به تن فروشی و هزار و یک مصیبت اجتماعی دیگر است که اساسش نه مردم بلکه خود حکومت اسلامی است. عامل ناامنی اجتماعی خود حکومت اسلامی است اگر نه این همه واحد گشتی نیروی انتظامی، یگان ویژه، یگان امداد، پلیس امنیتی و آگاهی، گشتهای پیاده و موتور سوار و لباس شخصی در خیابان و محل کسب و کار و زندگی مردم چه کار می کنند؟

این یگانها همه علیه مردم کوچه و خیابان و از ترس خود آنها بکار گرفته شده است. مستقر کردن این یگانها برای ارعاب مردم است. ترس و وحشت این رژیم از شورش مردمی است که ۷۰ درصد آنها زیر خط فقر قرار گرفته اند. میدانند مردم ایران کاسه صبرشان لبریز شده است و هر جا فرصتی باشد بلائی آریاشهر را بر سرشان میاورند. حکومت اسلامی کور خوانده است؛ فکر می کند میتواند مردم ایران را به سکون و سکوت بکشاند.

برقراری امنیت اجتماعی فقط با تأمین زندگی مردم ممکن است نه هیچ چیز دیگری. برسمیت شناختن آزادیهای فردی و مدنی، پایین نگاه داشتن نرخ تورم، حل مسئله بیکاری و ایجاد اشتغال، آزادی پوشش، آزادی کامل بیان و مطبوعات و آزادی مذهب و لامذهبی است که میتواند امنیت اجتماعی در جامعه را بالا ببرد. این یک معضل اساسی جمهوری اسلامی است که او را از هردوسوی این وضعیت گرفتار کرده است به طوری که نه راه پیش دارد و نه راه پس. اینها مطالبات اساسی و پایه ای جامعه است که جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند آنها را برسمیت بشناسد.

بعلاوه جامعه ایران کاملاً به دو طبقه تقسیم شده است. ۲۰ درصد آن کل ثروت جامعه را به همراه حکومت اسلامی در دست دارند. بقیه مردم نیز زیر خط فقر قرار گرفته اند و این تضاد عمیق طبقاتی پایه های اصلی حکومت اسلامی را به لرزه درآورده و مردم را به گورکن رژیم تبدیل کرده است.

در واقع آب از جای دیگری گل آلود شده است و جمهوری اسلامی با موقعیت شکننده ای که امروز در سطح داخلی و بین المللی پیدا

کرده است با به اجرا گذاشتن "طرح برقراری امنیت اجتماعی" افکار عمومی دنیا را به ضرر خود بشدت هر بیشتری خواهد چرخاند. فاصله ای که جمهوری اسلامی میان خود و مردم ایران ایجاد کرده است هر روز عمیقتر و به ضد خود رژیم تبدیل میشود. رژیم اسلامی این را به خوبی فهمیده است که با هرگونه عقب نشینی در قبال تحمیل حجاب، میلیونها زن حجابها را به دور خواهند انداخت. حجاب در ایران سمبل پایه ای و از ارکان اصلی و پایه ای نظام اسلامی است و حکومت اسلامی در ایران خود را با آن تداومی میکند. وقتی حجاب به دور انداخته شود ریش و عبا و عمامه نیز به سرعت به دور انداخته خواهد شد. مردم ایران تشنه آزادی اند. حق حیات، حق معاش و حق برخورداری از ضروریات یک زندگی متعارف برای این مردم مهم است نه چرندیات آخوند و وعده های تو خالی و بی پایه و اساس آنها. حق برخورداری از فراغت و تفریح و آسایش برای آنها مهم است نه سنن و قوانین دست و پاگیر مذهبی.

تشدد طرح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی چنانچه ادامه پیدا کند بر روند زندگی مردم هر چه بیشتر تاثیر منفی خواهد گذاشت و علیرغم مبارزه و مقاومت آنها در مقابل رژیم روند پناهندگی ایرانیان اگرچه بسیار کاهش پیدا کرده است اما کم و بیش ادامه خواهد یافت. هم اکنون عارضه های این طرح و سایه شومش در زندگی مردم ایران بسیار مشهود است و اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه مردم ایران پایانی ندارد. وقتی که حق زندگی و معاشرت مردم سلب میشود، وقتی که حکومت اسلامی به جای تأمین زندگی مردم امنیت و آسایش آنها را به هم می زند و آنها را به زندان و جریمه و شلاق محکوم میکند، وقتی که پارکها و تفریحگاهها و محل تردد مردم را به وسیله گروه های بسیج، نهی از منکر، لباس شخصیها و گروههای چماق دار و نیروهای انتظامی پلیسی میکنند، در عین ادامه مقاومت، ادامه روند پناهندگی ایرانیان امری ناگزیر است.

وقتی که جوانان را به جرم عشق ورزیدن و نوشیدن مشروب در ملاء عام شلاق میزنند و شخصیت آنها را می

شکنند، وقتی که زنان به دنبال طلاق در محیط اجتماعی آن کشور تحت فشارهای اخلاقی قرار میگیرند، وقتی که احترام به کارگر به عنوان گرداننده چرخ تولید و سازنده مملکت به دلیل دفاع از حق تشکل و اعتصاب زیر پا له میشود، شلاق میخورد و به او نهایت بی احترامی میشود نه تنها مردم از خود دفاع خواهند کرد بلکه جنبش عظیم انقلابی و سرنگونی طلبانه آنها همه جا در حال شکل گرفتن است و میروند تا طرحهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را یکی پس از دیگری نقش بر آب کند.

تبعیض بر حسب جنسیت یک دلیل دیگر ناامنی اجتماعی، مقاومت و مبارزه با جمهوری اسلامی و خروج از کشور است. تبعیض بر علیه زنان در ایران شبیه تبعیض علیه سیاهان و آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی است. تبعیض بر علیه زنان در ایران ابعاد و زوایای مختلفی دارد و در اشکال بسیار متفاوتی دیده میشود. حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مدارس و اماکن عمومی و محرومیت از حق حضانت و سرپرستی فرزندان، ممنوعیت ابراز علاقه علنی زنان حتی به دوست پسر و همسر و هرکس که دوستش دارد جنبه های دیگری از تبعیض بر علیه زنان در ایران است. تبعیض علیه زن در ایران انتها ندارد.

جمهوری اسلامی با استفاده از کلیه امکانات تبلیغی و نیروهای سرکوبگرش از ابتدای سرکار آمدنش در تلاش بوده است تا فرهنگ و سنن دیگری را در برخورد به زنان در جامعه ایران رواج بدهد. فرهنگ عقب مانده، فرهنگ بردگی و خانه نشینی، فرهنگ نابرابری و نیمه انسان به حساب آوردن زن، فرهنگ حجاب اجباری و سیاه پوش کردن جامعه و فرهنگ مردسالاری و سنگسار زنان جزئی از هویت و مبانی و نقطه حرکت تاکنونی جمهوری اسلامی بر علیه زنان در ایران بوده است. اینها و صدها نمونه دیگر از سرکوب خشن مردم بویژه زنان، از دلایل دیگر ناامنی اجتماعی در ایران را تشکیل میدهند.

مبارزه و مقاومت مردم در مقابل قوانین و از سر ضدیت با

جمهوری اسلامی، مقاومت مردم در مقابل نیروهای سرکوبگر، اعتراضات گسترده دانشجویی و فریاد برابری طلبی و شعار سوسیالیسم در مقابل بربریت و موج آزادیخواهی در جامعه امروز ایران، ترس مرگ و نابودی را در دل جمهوری اسلامی ایجاد کرده است.

کار بجایی رسیده است که آخوندها و سران ریز و درشت جمهوری اسلامی از ترس تنفر و اعتراض مردم همدیگر را گاز میگیرند. پناهجویان ایرانی و ایرانیان خارج از کشور میتوانند نقش بسیار مهمی را در محکومیت و ایزوله کردن جمهوری اسلامی ایفا کنند.

جنايات جمهوری اسلامی در حق مردم ایران توجه دنیا را به ایران و آینده این کشور معطوف کرده است. اتحادیه های کارگری در سطح جهان، سازمانهای انسان دوست و طرفدار حقوق بشر، بسیاری از احزاب چپ و مترقی و شماری از اتحادیه های مهم دانشجویی و سازمانهای دفاع از حقوق زن به علاوه گزارشاتی که بعضاً از سوی وزارتخانه های دولتهای غربی در مورد وضع حقوق بشر در ایران تهیه شده است، همه و همه زمینه ایزوله کردن جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی و به محاصره در آوردن این رژیم در ایران و فشار روی دول غربی برای قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی و بیرون کردن آن از سازمان جهانی کار و کنوانسیون دفاع از حقوق کودک را فراهم کرده است و میتواند به نقطه حرکت مبارزه مردم در شرایط کنونی در داخل و خارج تبدیل شود.

باید کار را به جایی رساند که دولتهای غربی که هر ساله از وضعیت حقوق بشر در ایران گزارش تهیه میکنند و به نقض سیستماتیک حقوق بشر در آن اذعان میکنند، از اینکه در ایران سفارتخانه دائر کرده اند شرم کنند و دیپلماتهای خود را از آنجا بازگردانند. چنین اقداماتی میتواند حمایت غرب را از جمهوری اسلامی بازدارد.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در خارج کشور و در افکار عمومی دنیا بر این جهتگیری تأکید میکند و آن را مبنای فعالیت خود قرار خواهد داد.*

”حق ما را بدهید“

کارگران اخراجی پارس خودرو دست به تجمع اعتراضی زدند
سرکوبگران رژیم کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند
و دهها نفر را دستگیر کردند

”فرهنگی تبعیض نمی پذیرد“

معلمین بازنشسته استان کرمانشاه
دست به تجمع اعتراضی زدند
معلمان اعلام کردند چنانچه به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود
اینبار با خانواده‌هایشان تجمع میکنند

بنا به خبرسپیده امروز ۴ اردیبهشت حدود ۳۰۰ نفر از معلمین بازنشسته استان کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت حق بازنشستگی (پاداش)، دیرکرد اضافه کاری و مزایای دیگر، اقدام به تجمع در مقابل اداره آموزش و پرورش کرمانشاه کردند.



جمعیت معترض داده شد از جمله گفته شد که مزایای معلمان را بصورت سهام شرکت‌ها در اختیار آنها قرار میدهند. اما معلمان تردیدی نداشتند که این وعده وعیده مانند موارد قبلی توخالی و تلاش برای ساکت کردن آنها است و

زنان و مردان معلم شهرهای این استان در صفوفی متحد دست به اعتراض زدند و اعلام کردند چنانچه به خواسته‌های برحقشان جواب داده نشود، بار دیگر همراه خانواده‌های خود به تجمعات و اعتراضات گسترده تری دست خواهند زد. شعارهای این اعتراضات اینها بوده است: فرهنگی تبعیض نمی‌پذیرد- مزایای ۳۰ ساله پرداخت باید گردد- پاداش ۳۰ ساله حق مسلم ماست. طبق خبر از طرف مسئولین اداره آموزش و پرورش شفاها وعده وعیده‌هایی به منظور متفرق کردن

تصمیم گرفتند جهت پیگیری مطالباتشان در روزهای ۸ و ۱۲ اردیبهشت، همراه با خانواده‌هایشان به تجمعات خود ادامه دهند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض و خواست‌های معلمان کرمانشاه قاطعانه دفاع میکند و معلمان سراسر کشور به همبستگی با آنها فرامیخواند. حزب مردم کرمانشاه را فرامیخواند که از معلمان حمایت کنند و در تجمعات اعتراضی آنها شرکت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۲۳ آوریل ۲۰۰۸

قاطعانه از کارگران اخراجی و اتحاد و یکپارچگی فرامیخواند. اول مه امسال، روز ۱۲ اردیبهشت، روز به میدان آمدن کلیه کارگران، اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، خانواده‌های کارگران، زنان و جوانان و همه مردم زحمتکش و آزادیخواه است. اول مه باید متحد و قدرتمند در سراسر کشور به میدان آمد و علیه این بیکاری و گرانی و بیحقوقی و فقر و محرومیت، در مقابل سرمایه داران و حکومت جنایتکار و کثیف آنها قد علم کرد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آوریل ۲۰۰۸، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷

”طبق گزارش دریاقتی، روز شنبه ۳۱ فروردین حدود ۴۰۰ نفر از کارگران اخراجی پارس خودرو در تهران، در اعتراض به اخراج و عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل شرکت پارس خودرو زدند. کارگران با پلاکارد بزرگی که رویش نوشته بود ”حق ما را بدهید“ توجه رهگذران را به اعتراض خود جلب میکردند. مدیر عامل شرکت، قلعه بانی، همراه با حراست کارخانه به میان کارگران آمد و کارگران را مورد تهدید قرار داد و سپس تعداد زیادی از عوامل سرکوب رژیم با چندین ماشین به محل آمده و به ضرب و شتم کارگران پرداختند. سرکوبگران بیرحمانه و با باتوم برقی به جان کارگران حق طلب افتادند، بطوریکه از سر و صورت تعدادی از کارگران

شیت امانی در آستانه اول ماه مه در سنج بازداشت شد

احکامی که علیه سایر فعالین کارگری از جمله صدیق کریمی صادر شده باید لغو شود. حزب همه مردم سنج و سایر شهرها و کلیه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به اعتراض به جمهوری اسلامی برای آزادی فوری شیت امانی فرامیخواند.

کارگران و خانواده‌های کارگری، معلمان و جوانان، مردم معرووم و ستمدیده هرچه وسیعتر به این دستگیری اعتراض کنید و برای برگزاری باشکوه روز جهانی کارگر، اول مه، دوازده اردیبهشت، آماده شوید. در سنج و در همه شهرها باید با نیروئی هرچه وسیعتر به استقبال اول مه رفت. راه مقابله با این تعرضات و تعرض وسیعی که به سطح معیشت فی الحال غیرقابل تحمل مردم شروع کرده اند، به میدان آمدن هرچه وسیعتر و گسترده تر مردم است. زنده باد اول مه روز جهانی کارگران
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کمیته گردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۲۳ آوریل ۲۰۰۸

طبق خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، ”امروز ۴ اردیبهشت شیت امانی“ رئیس هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار” که جهت جابجایی سند وثیقه خود به دادگاه مراجعه کرده بود همانجا بازداشت و روانه زندان شد. براساس این خبر دادگاه تجدید نظر استان کردستان، احکام زندان و جریمه شیت امانی و صدیق کریمی را به ۶ ماه زندان تقلیل داده و آنرا جهت اجرا به دادگاه اجرای احکام ارجاع داده است.“

جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر سرکوب کارگران را شدت بخشیده است. کارگران کیان تایر را وحشیانه مورد هجوم قرار داد، با باتوم برقی به جان کارگران کیان خودرو افتاد و امروز شیت امانی را روانه زندان کرد. اینها همه تلاش در مقابل تحرک کارگران و فعالین کارگری برای برگزاری اول مه است. خودرو افتاد و امروز شیت امانی را روانه زندان کرد. اینها همه تلاش در مقابل تحرک کارگران و فعالین کارگری برای برگزاری اول مه است. خودرو افتاد و امروز شیت امانی را روانه زندان کرد. اینها همه تلاش در مقابل تحرک کارگران و فعالین کارگری برای برگزاری اول مه است. خودرو افتاد و امروز شیت امانی را روانه زندان کرد. اینها همه تلاش در مقابل تحرک کارگران و فعالین کارگری برای برگزاری اول مه است.



رژیمی مستاصل، ترفندهای رنگ باخته

در پاسخ به تشبثات مستاصلانه وزارت اطلاعات رژیم آدمکشان اسلامی

دست و پا زدنهای بیهوده رژیم

نشانه درماندگی و استیصال آن در مقابله با اعتراضات روزافزون مردم است. جمهوری اسلامی باید دیگر فهمیده باشد که این ترفندها فقط عزم ما را برای سرنگونی آن راسخ ترمی کند.

قلباً متاسفم که این جانیان مزاحم خانواده من در ایران شده اند. مبارزه مان علیه این جانیان را گسترش میدهیم و در انظار جهانیان رسواتشان خواهیم کرد و آنها را سر جایشان خواهیم نشاند. راهی برای فرار از دست مردم به جان آمده ندارند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
افسانه وحدت
کادر حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آوریل ۲۰۰۸

با وسیع تر شدن جنبش اعتراضی مردم علیه حکومت ضد بشر، وحشی و قرون وسطائی حاکم بر ایران، رژیم به دست و پا افتاده و یک بار دیگر دست به تشدید فشار به خانواده های فعالین سیاسی که در خارج کشوریه سر می برند زده تا به خیال خودش موج وسیع مبارزه و اعتراض در داخل و خارج برای سرنگونی رژیم کشیف اسلامی را خاموش کند.

این رژیم زن و کارگر را شلاق زد، زنان را سنگسار کرد، چشم درآورد و دست و پا قطع کرد، دانشجو را زیر شکنجه به قتل رساند، ولی دید که مردم نه تنها تترسیدند بلکه مبارزه آنها دامنه دارتر شد. فشار های رژیم بر خانواده من و سایر خانواده ها که این روزها تشدید شده است، قبل از هر چیز

مستاصلانه و وحشت شان از همینجا مایه میگیرد. معلوم است که کار امثال من موثر بوده است که آنها را به این تفلایه های عبث کشیده است. سرنگونی حکومت اسلامی محتوم است. فکری بحال خودتان بکنید!

سیما بهاری
عضو کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اردیبهشت ۲۳، ۸۷، آوریل ۲۰۰۸

باطل! پاسخ من به این تفلایه روشن است: تلاشم را برای سرنگونی جنایتکاران حاکم در ایران و برای برقراری سوسیالیسم بر ویرانه های رژیم اسلامی، تشدید خواهم کرد. رژیم اسلامی بر دریای نفرت مردم نشسته است. شکنجه گران وزارت اطلاعات خوب میدانند که در محاصره مردم بجان آمده قرار گرفته اند. بکارگیری روش های

سازمان اطلاعات رژیم آدمکشان اسلامی، روش رنگ باخته فشار به خانواده ها در ایران، برای دور کردن بستگان آنها در خارج کشور از فعالیت سیاسی را، پیوسته بکار گرفته است. اخیراً با بستگان من در ایران نیز تماس گرفته و از طریق فشار به آنها قصد داشتند مرا تست کنند. میخواهند فشار بیاروند و مرا از فعالیت سیاسی علیه رژیم جنایتکار اسلامی شان، باز دارند. زهی خیال

فراخوان به تظاهرات در مقابل

مقر سازمان جهانی کار، آی ال او، در ژنو جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد

جمهوری اسلامی ای باید از آی ال او اخراج گردد. ما همصدا با کارگران ایران، سازمان های کارگری جهان را فرا میخوانیم که خواهان اخراج جمهوری اسلامی ایران از آی ال او شوند!

حزب کمونیست کارگری در اعتراض به حضور هیئت جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار در ژنو، تظاهراتی را همزمان با حضور جمهوری اسلامی سازمان داده است و همه مردم آزادیخواه را به شرکت در آن فرامیخواند. حزب همچنین سازمان های کارگری را به حمایت از این تظاهرات فرامیخواند.

تاریخ تظاهرات متعاقباً اعلام میگردد.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آوریل ۲۰۰۸، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران را بزندان انداخته و شکنجه کرده اند. فعالین کارگری را شلاق زده اند. فعالین اول ماه مه را محاکمه و بزندان انداختند. برای آزادی فعالین کارگر زندانی، وثیقه های سنگین مقرر میدارند تا از فعالیت بازشان دارند. در مواردی به آدم ربانی و ترور فعالین کارگری نیز، متوسل شده اند. دستمزد صدها هزار کارگر را ماهها نمیدارند و آنها را به فقر مطلق کشانده اند.

اعتراضات وسیع در همبستگی با مبارزات کارگران و مردم ایران در دو سال گذشته، پاسخ سازمان های کارگری جهان به حکومت اسلامی ایران بوده است. باید اقدامات شدیدتری نسبت به سرکوب کارگران در ایران صورت بگیرد. برخی از سازمانهای کارگری اعلام کرده اند که از رژیم اسلامی ایران به آی ال او شکایت خواهند کرد. این گامی به پیش است، اما کافی نیست.

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار آی ال او از 28 ماه مه تا 13 ماه ژوئن در ژنو برگزار میگردد. قرار است هیئت نمایندگی رژیم اسلامی ایران همچون سالهای گذشته در این اجلاس حضور بهم رساند. نباید اجازه داد سرکوبگران کارگران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

رفتار جمهوری اسلامی ایران با کارگران، ننگ بشریت است. رژیم اسلامی ایران بطور پیوسته و سیستماتیک اعتراضات کارگران برای بهبود وضعیت شان را با خشونت پاسخ داده است. رژیم حاکم در ایران وقتی به حقوق برسمیت شناخته شده کارگران بر اساس کنوانسیونهای بین المللی، نمیگذارد. در ایران بارها اعتراضات کارگری سرکوب و حتی بخون کشیده شده است. رهبران

خسرو دانش در گذشت

سرمایه داران و برای دستیابی کارگران و مردم به زندگی انسانی و در راه سوسیالیسم ادامه داد. جان باختن او برای همه ما در حزب کمونیست کارگری جای تآثر بسیار است.

حزب کمونیست کارگری این اتفاق ناگوار را به همسر و فرزند خسرو دانش عزیز و همسران و دوستانش صمیمانه تسلیت مگوید.

یادش گرامی باد

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آوریل ۲۰۰۸، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۷

با کمال تأسف امروز مطلع شدیم که رفیق خسرو دانش عضو حزب کمونیست کارگری ایران دو روز قبل یعنی روز یکشنبه اول اردیبهشت بر اثر ایست قلبی در ایران در گذشته است.

خسرو از کمونیستهای قدیمی بود و از همان اوان تشکیل اتحاد مبارزان کمونیست به این سازمان پیوست و در اوایل روی کار آمدن جمهوری اسلامی دستگیر شد و مدتی زندانی بود. او تحت شرایط سخت مالی و امنیتی تا آخرین لحظه زندگیش به مبارزه و فعالیت خود علیه حکومت توحش اسلامی

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

به حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید



سوسیالیسم بیا خیز!
برای رفع تبعیض

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

تماس: 0735682525

انگلیس - لندن

شرکت در تظاهرات اول مه

پنجشنبه 1 می ساعت 11

Vlerkenwell Green محل:

نزدیکترین ایستگاه قطار Faringdon

Faringdon@gmail.com: wpiengland

07950924434

آمریکا - دالاس

پیگ نیک

در محل Russell creek park _ plano

از ساعت دو بعد از ظهر یکشنبه

بیست و هفتم آوریل 2008

تماس: 2146752120

svafa56@yahoo.com: ایمیل

استرالیا - سیدنی

شرکت در تظاهرات روز جهانی کارگر

شنبه 3 مه، ساعت 9:30 صبح

در مرکز کانوشن دارلینگ هاربر روبروی تئاتر ایمکس

تماس: 0411553152

نروژ - اسلو

برگزاری نمایشگاه عکس در میتینگ اول مه

Youngstorget در محل

تماس: 098694001

فرانسه - لیون

شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر

پنجشنبه اول مه

از محل آغاز راهپیمایی راس ساعت 10 صبح

از یلاس ژان مسه

تماس: 0618783237

علاوه بر این برنامه ها، در برخی شهرهای دیگر نیز از طریق برگزاری میزهای اطلاع رسانی در مورد مبارزات طبقه کارگر در ایران، اقدام میشود.

لیست برنامه ها تکمیل میشود.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
22 آوریل 2008

تماس: 0163 809972

آلمان - هامبورگ

شرکت در راه پیمایی اول مه

ساعت 11 محل تجمع مرکزی روبروی ساختمان اتحادیه

سراسری کارگران آلمان د گ ب

تماس: 0178 3379808

آلمان - برمن

شرکت در راهپیمایی اول مه

شروع راهپیمایی از ساعت 10

نمایشگاه عکس

محل تجمع مرکزی راه پیمایی اول مه Marktplatz

تماس: 0172 4037035

آلمان - برلین

شرکت در تظاهرات

شرکت در تظاهرات د گ ب ساعت 10 صبح و

تظاهرات می دی (May Day) در کتوسرتور (UB-

Kottbusser Tor) ساعت 18 برگزاری میز اطلاعاتی

تماس: 017624866317

سوئد - استکهلم

شرکت در راهپیمایی اول مه

محل تجمع ساعت 12

Medborgarplatsen

نمایشگاه عکس از مبارزات کارگران ایران

Kungsträdgården در میدان

جشن

جمعه ساعت 6 عصر

Medborgarhuset طبقه چهارم

تماس: 0703610279

سوئد - مالمو

شرکت در تظاهرات

Möllervången در

تجمع از ساعت 11 صبح در میدان

تماس: 0703638088

سوئد - یوتبری

برپائی چادر و غرفه اطلاع رسانی

پنجشنبه 1 مه در یرن توریت

از ساعت 9 صبح تا 2 بعد از ظهر

همچنین جشنی در لوکال فرامتید هوست جمعه 2 مه

برقرار میشود

کانادا - تورنتو

جشن اول مه

شنبه، 26 آوریل 2008، ساعت 7:30 بعدازظهر

تورنتو، 25 سیسیل، (تقاطع اسپاداینا و کالج)

نزدیکترین ایستگاه قطار به محل: ایستگاه Spadina

سخنرانی و پیامهای همبستگی

موزیک زنده (فریدون فرهی، جرج هیوسن)

سخنرانان:

* دیو بلیکنی، اتحادیه کارگران پست کانادا

* ایلیم بریانو، کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه

کارگران خدمات عمومی انتاریو

* جین مارشا، اتحادیه کارگران پست، لوکال تورنتو

* بروس آلن، اتحادیه کارگران ماشین سازی کانادا،

لوکال 199

* عصام شکری، حزب کمونیست کارگری چپ عراق

* حمید تقوایی، حزب کمونیست کارگری ایران

تماس: 416858-9831

کانادا - ونکوور

جشن سخنرانی، اسلاید شو و موزیک

شنبه 3 مه، ساعت 6:30 بعدازظهر

نورث شور نیبر هوود هاوس -225 خیابان دوم شرقی،

نورث ونکوور

تماس: 6047278986

آلمان - فرانکفورت

شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر، برپایی نمایشگاه عکس و جادر اطلاع رسانی

راهپیمایی راس ساعت 9:30 صبح پنجشنبه اول مه

در محل مراسم مرکزی اول مه در Römerplatz

برپایی نمایشگاه عکس و میز اطلاع رسانی

در مرکز شهر فرانکفورت

شبه 19 آوریل از ساعت 12 تا 16

شنبه 26 آوریل از ساعت 12 تا 16

Zeile - Kaufhof

تماس: 0163 6154384

آلمان - کلن

شرکت در راهپیمایی اول مه و برپایی نمایشگاه عکس

پنجشنبه اول مه از ساعت 10 صبح

Köln- Heumarkt /Altstadt آدرس

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

جلسات گفتگو با حمید تقوایی

در جت روم اینسپیک و بلناک

گفتار این هفته:

وقتی جانین هشدار میدهند! نگاهی به هشدار بانک جهانی در مورد "خطر" شورش گرسنگان!

زمان: جمعه 5 اردیبهشت 1387، 25 آوریل 2008

ساعت ۹:۳۰ شب بوقت ایران، 7 شب بوقت اروپای مرکزی، 1 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوایی

دیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

Tel: 0046-739318404

دفتر مرکزی حزب

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

کنفرانس آلترناتیو علیه کنفرانس اسلام در شهر کلن آلمان

۳۱ ماه مه و ۱ ژوئن

بحث در مورد

بخش اول سخنرانیها ما از مذهب رویگردانیم،

مروری بر فعالیتهای سازمانهای اکس مسلم در کشورهای مختلف با حضور نمایندگان این کشورها: موضوع بحث، منتقدین اسلام خود را در سطح بین المللی متحد میکنند، آیا این شروع یک جنبش آگاهگری و انتقاد به اسلام است.

با حضور مریم نمازی از انگلستان، احسان جامی از هلند، افسانه وحدت از سوئد، شهناز مرتب از آلمان

نمایش فیلم حجاب "یک

سیستم سرکوب یا اینکه موی زنان مردان را تحریک میکند". فیلمی از مبارزات زنان علیه حجاب ساخته فتحیه نقیب زاده با بحثی در پایان این قسمت با حضور فتحیه نقیب زاده

بحث و پانل در مورد موقعیت زنان در اسلام با حضور فاطمه بلسه ر، مینا احدی و توماس ساوول، گرداننده بحث زینا فوگت

بحث در مورد اسلام،

پناهندگی و مهاجرت آیا جامعه مولتی کولتی را میتوان نجات داد؟ با حضور آرزو قاضی، آسیا ماریا هارواسینسکی، مارگالیت کلای ویگت و گونتر والراف، گرداننده بحث میکاییل اشمیت سالمون

از روز ۳۱ مه تا ۱ یونی در شهر کلن آلمان کنفرانس انتقاد به اسلام برگزار میشود. در میان سخنرانان از جمله مینا احدی و مریم نمازی از انگلستان، از مسولین سازمان اکس مسلم، نویسنده رالف جردانو، ژورنالیست گونتر والراف و همچنین فعال مدافع حقوق انسان از ترکیه فاطمه بلسه ر حضور دارند. در این دو روز سوالات مهم و جالبی مورد بررسی قرار خواهند گرفت، از جمله رابطه اسلام و اسلام سیاسی و تناقض اسلام با حقوق اولیه انسانی. برگزار کنندگان این کنفرانس مهم عبارتند از: شورای مرکزی سازمان اکس مسلم در آلمان، سازمان جردانو برونو، مجله هینتر گروند، سازمان دریته ولت سار، و انتشاراتی آلیبی و مرکز تفکر، محل جلسه دانشگاه کلن است و شروع جلسه از ساعت ۱۰ صبح روز ۳۱ ماه مه است.

برنامه های این دو روز عبارتند از:

افتتاح جلسه توسط میکاییل اشمیت سالمون و مینا احدی سخنرانی افتتاحیه توسط رالف جردانو با عنوان: مهاجرت مشکل ما نیست، اسلام مشکل اصلی است.

سخنرانی هارتموت کراووس، اسلام یک فرهنگ و ایدئولوژی قبل از دوران مدرنیته

روزهای ۳۱ ماه مه و ۱ یونی، شهر کلن آلمان شاهد برگزاری یک کنفرانس مهم خواهد بود.

در مقابل مداخلات دولت آلمان با سازمانهای اسلامی و تشکیل کنفرانس اسلام که با اعتراض شدید سازمانهای سکولاریست و مردم مترقی در آلمان روبرو شده است، ما کنفرانس آلترناتیوی سازمان داده ایم به اسم کنفرانس انتقاد به کنفرانس اسلام. این کنفرانس ظرفی است که در آن انتقادات ما به دولت آلمان، انتقاد به سازمانهای اسلامی و اسلام و مذهب در آن مورد بررسی قرار رفته و آلترناتیو ما در مقابل این معضلات طرح میشود.

در این کنفرانس شخصیهای سرشناس منتقد اسلام سیاسی و مذهب طی دو روز کار فشرده در مرد جنبه های مختلف مبارزه علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی در اروپا صحبت خواهند کرد.

همزمان با این کنفرانس در روز ۳۰ ماه مه در شهر کلن آلمان و در کتابفروشی مایر در مرکز شهر کلن فوگت و میسالیل اشمیت سالمون نیز معرفی خواهد شد.

در اینجا ترجمه بخشهایی از اطلاعاتی این کنفرانس که به زبان آلمانی از امروز در دسترس عموم قرار گرفته است، به اطلاع شما میرسانیم:



گرداننده الکساندر فویر هرت
اختتامیه و بحث پایانی
آگاهگری بجای پرده پوشی مسایل، پرسپکتیو و استراتژی مبارزه علیه اسلام سیاسی با حضور مینا احدی، هارتموت گراووس، رالف جردانو گرداننده بحث گونا شدل

برنامه روز یکشنبه:

آنتی سمیتیسم اسلامی و نفرت از اسرائیل
سخنران اشفان گریگات
اسلام فوبی "استراتژی یک دفاع ارتجاعی از اسلام"
سخنران کلاووس بله سی
پانل و بحث در مورد دو سخنرانی

تایمز به عنوان یک فاکتور "واژگونی حکومتها" از آن نام برده است. کسب موقعیت رهبری توسط این حزب، تحولات سیاسی در ایران را بسیار فراتر از "واژگونی حکومتها" خواهد برد. اینجا کل نظام سرمایه داری با حکومت اسلامی اش میتواند برای همیشه مدفون شود. اینجا طبیعه یک نظام سوسیالیستی میدرخشد. در ایران میتواند پرچم انقلاب اکتبر قرن بیست و یک بر افراشته شود. ایران میتواند دروازه ای باشد برای ورود جهان قرن بیست و یک به دنیایی فارغ از بندگی و تبعیض و تحقیر و خرافه های مذهبی و قومی و نژادی. ایران میتواند پنجره دنیای بهتر، دنیای سوسیالیستی را به روی مردم جهان بگشاید. ایران میتواند آغازگر پیروزی سوسیالیسم بر بربریت باشد*

در ایران، شعارهایی در میان دانشجویان و کارگران و زنان و جوانان فریاد زده شده است که مستقیما و علنا همه جلوه های ارتجاع جهانی قرن بیست و یک را به مصاف طلبیده است. از جمله: آزادی، برابری، هویت انسانی؛ یک زمین، یک نژاد، آنهم نژاد انسانی؛ سوسیالیسم یا بربریت. در ایران حزبی متشکل و قدرتمند به نام حزب کمونیست کارگری پا به عرصه حیات سیاسی گذاشته است که در راس آزادیخواهی، برابری طلبی، انساندوستی، سکولاریسم، مبارزه با هرگونه تبعیض، مقابله با هرگونه خرافه مذهبی قرار دارد. حزبی که عمیقترین آرزوها و آمال و حرف دل مردم محروم را نمایندگی میکند. در ایران، حزب کمونیست کارگری در موقعیت تبدیل شدن به آن "رهبری موثر" قرار گرفته است که نشریه

یک یعنی جمهوری اسلامی را بزیر خواهد کشید.

و ثانيا، آن شرط آخر نشریه تایمز، یعنی آماده شدن یک "رهبری موثر" - که اگر آماده شود به "واژگونی حکومتها" منجر میشود - در ایران در سطوح و اشکالی کاملا متفاوت از کشورهای دیگر مطرح است. در ایران، جنبش اجتماعی پیشرو و قدرتمند زنان علیه هرگونه آپارتاید جنسی وجود دارد. در ایران نسل عظیمی از جوانان علنا در مقابل هر نوع ارتجاع فرهنگی و اختناق سیاسی قد علم کرده اند. در ایران، جنبش دانشجویی با شعار آزادی و برابری به میدان آمده است. در ایران یک طبقه کارگر عظیم با ترکیبی جوان وجود دارد که همین الان مشغول یک اعتراض وسیع علیه سرمایه داران و حکومتش هستند.

از صفحه ۳ سوسیالیسم یا بربریت

جهانی باشد که خطر "انقلاب گرسنگان" تهدیدش میکند. با این تفاوت که: اولاً، ایران ساحل عاج و بورکینافاسو نیست. انقلاب در ایران، انقلاب در مهمترین و حادثترین محل تلاقی ژئوپولیتیکی جهان معاصر است. یک زمین لرزه سیاسی که مرکزش ایران باشد، شعاعش تقریبا تمام جهان را در بر خواهد گرفت. با واژگونی حکومت اسلامی در ایران، حلقه اصلی از یک زنجیره سیاسی منطقه ای و جهانی در هم خواهد شکست و کل حلقه های دیگر را متأثر خواهد کرد. یک قطب اصلی ارتجاع جهانی، یعنی اسلام سیاسی را در هم خواهد ریخت. اژدهای اسلام سیاسی بی سر خواهد شد. سمبل بربریت سرمایه داری در قرن بیست و

اسلامی تبدیل شده است. "واژگونی حکومت" مدتهاست آرزو و هدف طیف گسترده ای از مردم شده است. مدتهاست که در ایران هر اتفاق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بلافاصله و با سرعت خیره کننده ای سیاسی میشود، به تقابل مردم و رژیم اسلامی تبدیل میشود. عزاداری حکومتیها به جشن ضد حکومتی تبدیل میشود. از درون نهی از منکر ساده یک بسیجی اسلام، شعار نفی کل رژیم بیرون میزند. روزها و سالگردهای مقدس اسلامی به روزهای زیر پا گذاشتن تقدس اسلامی و رژیم اسلامی منجر میشود.

به این معنا، ایران قاعدتا باید در اول لیست آن ۳۳ کشور بانک